

## فهرست

مقدمه ..... ۹

### فصل اول: کلیات پوشش و حجاب

حجاب در سایر ادیان ..... ۱۵

حجاب در آیین زرتشت ..... ۱۶

حجاب در آیین یهود ..... ۲۰

حجاب در آیین مسیحیت ..... ۲۴

حجاب در ایران باستان ..... ۲۷

حجاب در هندوستان ..... ۲۸

حجاب در آیین اسلام ..... ۲۸

مفهوم حجاب ..... ۳۰

مفهوم عفاف ..... ۳۴

ارتباط میان عفت و حجاب ..... ۳۶

مفهوم حیا ..... ۴۰

### فصل دوم: فایده و آثار حجاب

الف) فایده پوشش و حجاب در بُعد فردی ..... ۴۳

ب) حفظ بهداشت روانی ..... ۴۵

ج) فایده حجاب در بُعد خانوادگی ..... ۴۵

د) آثار اجتماعی حجاب ..... ۴۶

ه) اختصاص یافتن لذت‌ها و کام‌جویی جنسی به محیط خانواده ..... ۴۷

و) فایده حجاب در بُعد اقتصادی ..... ۴۷

### فصل سوم: تاریخچه و فلسفه حجاب

هدف از تشریح پوشش و حجاب ..... ۵۱

فلسفه پوشیدن چادر ..... ۵۵

سستی برخی افراد در رعایت حجاب ..... ۵۸

دلایل وجوب حجاب ..... ۶۴

ارزش حجاب ..... ۶۸

مفهوم حجاب ..... ۶۹

حدود حجاب در قرآن و روایات اسلامی ..... ۷۲

وجوب پوشش در نماز ..... ۷۶

### فصل چهارم: حجاب زنان و مردان

محدودیت حجاب در زنان و مردان ..... ۸۶

تاریخچه پوشیدن چادر ..... ۹۱

۹۲ ..... علل سستی برخی در حجاب

### فصل پنجم: احکام حجاب

۹۹ ..... اجبار در پوشش

۱۰۰ ..... پوشش روی پا

۱۰۱ ..... پوشش مشکمی

۱۰۱ ..... برتری چادر

۱۰۲ ..... پوشش نزد فامیل

۱۰۲ ..... پوشش نزد محارم

۱۰۲ ..... حجاب توریست‌ها و حجاب در کشور غیرمسلمان

۱۰۵ ..... غفلت از حجاب

۱۰۵ ..... محل دید نامحرم

۱۰۶ ..... لباس روشن و نازک

۱۰۶ ..... جوراب نازک

۱۰۶ ..... لباس‌های تنگ

۱۰۷ ..... پوشش حجم مو

۱۰۷ ..... کلاه گیس

۱۰۸ ..... کلاه گیس در خارج کشور

۱۰۸ ..... کفش صدا دار

۱۰۸ ..... لباس ابریشم

۱۰۹ ..... کراوات

۱۰۹	.....	آستین کوتاه
۱۱۰	.....	لباس رنگارنگ مردان
۱۱۱	.....	فهرست منابع کتاب

## مقدمه

پدید آمدن لباس، امری تصادفی یا خواستی فردی نبوده است؛ در واقع حجاب و پوشش انسان، تاریخی به درازی عمر و تاریخ انسان دارد. اگرچه انتخاب لباس و پوشاک، بر ایند اندیشه و اراده آدمی است، ولی بر بینش و اراده انسان تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ساز تعالی یا انحطاط فردی و اجتماعی، نقش‌آفرینی کند. بنابر گواهی متون تاریخی، در بیشتر ملت‌ها و آیین‌های جهان، پوشش و حجاب بین زنان و مردان معمول بوده است. هرچند حجاب در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاه با اعمال سلیقه، تشدید یا تخفیف همراه بوده، ولی هیچ‌گاه به‌طور کامل از بین نرفته است. و به‌حق از زیباترین و والاترین واژه‌های آفرینش و در تمام ادیان و جوامع بشری همواره مورد توجه است. حفاظت از این حق شخصی، بابتی حجابی ممکن نیست. زن بی‌حجاب شاید بتواند از کام‌جویی‌هایی که جنس مخالف توسط حواس پنج‌گانه از او دارد، جلوگیری کند، ولی هرگز

نمی‌تواند از لذت‌جویی‌های مرد با حس‌قدرتمند بینایی در امان بماند؛  
براین‌اساس، شرع مقدس اسلام، دژی محکم در اختیار زن قرار داده تا  
به وسیله آن، از این حق‌نگهبانی کند و آن قلعه مستحکم چیزی جز حجاب  
نیست که بر او واجب شده است.

رعایت حجاب نه تنها باعث محدودیت او نیست که حفاظت و  
آزادی‌های خانوادگی و حقوق شخصی و اجتماعی‌اش را به دنبال دارد. زنان  
دارای حقوق الهی هستند. حجاب زن در اسلام و پوشش بیشتر او نسبت به  
مردان، افزون بر دلایلی که دارد، دارای حکمت دیگری نیز هست و آن، حفظ  
جایگاه اصلی، ارزش واقعی و شخصیت زن مسلمان است. دین اسلام  
رعایت حجاب و پوشش الهی را به زن پیشنهاد می‌کند. حفظ شخصیت،  
امنیت و آرامش زنان، از فلسفه‌های حکم حجاب معرفی شده است: «ای  
پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جللباب‌ها (چادرها)ی  
خود را بر دوش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار  
قرار نگیرند بهتر است [و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنان سرزده، توبه  
کنند]، خداوند همواره آمرزنده رحیم است.<sup>۱</sup>

بدحجابی دختران و زنان، ریشه در محدودیت ندارد، ریشه در  
عدم فرهنگ‌سازی موضوع حجاب بین آنان دارد. حجاب مسئله‌ای  
خصوصی نیست، بلکه مسئله‌ای اجتماعی است. فردی تصمیم می‌گیرد  
پوشش اسلامی را رعایت کند، این پوشش برای ورود به اجتماع و تکمیل

۱. سوره احزاب، آیه ۵۹.

شخصیت است. اسلام چون می‌خواهد زن وارد اجتماع شود، به حجاب توصیه کرده است.

مقوله حجاب تنها مخصوص بانوان نیست، بلکه بنا بر تصریح قرآن و روایات اسلامی و توصیه بزرگان دین، هم مرد و هم زن وظیفه دارند محدوده تعیین شده توسط شرع مقدس را رعایت کنند.

نوشتار حاضر بر آن است که برخی از سؤالات و شبهات را، که در ذهن برخی جوانان دختر و پسر و سایر اقشار مختلف جامعه وجود دارد، پاسخ دهد.

امیدوارم این موضوع، برای همه خوانندگان عزیز قابل استفاده باشد.

علی امیرخانی

قم مقدس







**فصل اول:**  
**کلیات پوشش و حجاب**



## حجاب در سایر ادیان

پرسش: نظر ادیان الهی درباره پوشش زن چیست؟

پاسخ: پوشش و عفاف از آن نظر که امری فطری است و برای حیات اجتماعی انسان ضرورت دارد، در ادیان و مذاهب الهی جایگاه خاصی دارد. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده و جامعه بشری را به سوی آن فراخوانده‌اند؛ زیرا حیا و لزوم پوشش به طور طبیعی در نهاد زنان به ودیعت نهاده شده و احکام و دستورهای ادیان الهی، هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است.

بر اساس اصل لزوم هماهنگی و تناسب آفرینش و قانونگذاری،<sup>۱</sup> خداوند لباس و پوشاک را لایحه‌های نعمت‌های بیکرانیش به بشر ارزانی داشت<sup>۲</sup> و اشتیاق درونی زنان را به «حجاب» با تشریح قانون پوشش مستحکم ساخت تا گوهر هستی «زن» در صدف پوشش صیانت گردد و جامعه از

۱. سوره روم، آیه ۳۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۷.

فروافتادن در گرداب فساد و تباهی نجات یابد. بدون تردید، جهان‌بینی و انسان‌شناسی هر فرهنگ و مکتب، نقشی اساسی و مهم در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد.<sup>۱</sup> براساس جهان‌بینی ادیان الهی که انسان خلیفه خداوند و مرکز و محور جهان هستی است و رسالت کسب معرفت و تهذیب نفس و اصلاح جامعه را بر دوش گرفته و حیاتش در جهان آخرت نیز ادامه دارد، باید جسم زن و چشم مرد پوشیده گردد تا غرایز شهوانی مهار و کنترل شود و استعدادهای معنوی و عقلانی بشر در پرتو رهیافت‌های فطری و هدایت‌های وحیانی شکوفا گردد. گرچه انتخاب لباس و پوشاک براینند اندیشه و اراده آدمی است، بر بینش و اراده ان تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ساز تعالی یا انحطاط فردی و اجتماعی نقش آفرینی کند.

در آیین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام - که این مقاله به بررسی آنها می‌پردازد - حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب‌های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان چهارگانه، بهترین شاهد و عالی‌ترین گواه بر اثبات این مدعاست.

### حجاب در آیین زرتشت

آریایی‌ها نخستین مردمی بودند که به سرزمین ایران آمدند. آنان به دو گروه «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله

۱. شهید مطهری، جهان‌بینی توحیدی، ص ۷۵.

هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیانگذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان ایران زمین از زمان مادها - که نخستین ساکنان این دیار بودند - دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس‌ها بوده‌اند.<sup>۱</sup> این حجاب در سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است؛<sup>۲</sup> بنابراین، در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده و زنان هرچند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند، این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است.

جایگاه فرهنگی پوشش میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به دلیل این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد.<sup>۳</sup>

در زمان ساسانیان - که پس از نبوت زرتشت است - افزون بر چادر، پوشش صورت نیز میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرئت نداشتند جز در تخت‌روان

۱. جلیل ضیاءپور، پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان، ص ۱۷-۲۶ و ۵۱-۵۶.

۲. همان، ص ۶۴-۱۹۴.

۳. فرهنگ قائم‌مقامی، آزادی یا اسارت، ص ۱۰۶؛ تورات، باب استر، آیه ۱.

روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد آشکارا با مردان آمد و شد کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است.<sup>۱</sup> تجلیات پوشش میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup>

از آن‌جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» در ایران بوده و آن بزرگوار در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است. وی با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای خود ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد.

به پند و اندرزهای «اشو زرتشت» بنگرید تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی حجاب و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن‌تر شود؛ او می‌گوید:

ای نوع‌روسان و دامادان! ... با غیرت، در پی زندگانی پاک‌منشی برآید ... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ‌گاه گردِ دروغ و خوشی‌های زودگذری که تباه‌کننده زندگی است، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی درآمیخته است. با این‌گونه کارها، زندگانی خود را تباه مسازید. پاداش

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۸؛ برتراند راسل، زناشوئی و اخلاق، ص ۱۳۵.

رهر وان نیکی، به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره شود و کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود.

فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و فرجام‌شان خروش و فریاد و ناله است.<sup>۱</sup>

گفتنی است که در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش (چادر یا شنلی روی آن) بوده، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته، هر چند استفاده از سدره و کُشتی (لباس مذهبی ویژه زرتشتیان) توصیه شده است.<sup>۲</sup> البته بر هر مرد و زن واجب است هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را ببوشانند. بنابر گفته مؤبد «رستم شهرزادی» پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد.

در خرده اوستا، به‌طور صریح آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد»؛<sup>۳</sup> یعنی همگان نامی ز تو برگوییم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن‌گاه به درگاه دادار اهورمزد نماز می‌کنیم.

۱. یسنا، ص ۵۳، پنجاهای ۵-۸؛ به نقل از: آموزش‌های زرتشت پیامبر ایران؛ رستم شهرزادی، آموزش گات‌ها، انجمن زرتشتیان، آبان ۶۷.

۲. «سدره» از نُه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند. «کُشتی»، کمر بند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را روی سدره به کمر بندند. (مؤبد موبدان، رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، سال ۱۳۵۷)

۳. خرده اوستا، فصل آفرینگان دهمان.

براساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به‌کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذربادماراسپند» مؤید موبدان آمده است: «مرد بدچشم را به معاونت خود قبول مکن.»<sup>۱</sup>

پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد پوشش از چهره بگیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری بدهند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مأمور اجرای حکم عمر مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد؛ ولی امام علی علیه السلام او را به مدارا و تکریم آنان توصیه فرمود.<sup>۲</sup>

### حجاب در آیین یهود

همه مؤرخان، از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند.<sup>۳</sup> ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع شده بود.... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب علم را، هرچند اندک، چیز خطرناکی برمی‌شمردند. با این همه،

۱. سالنمای ۱۳۷۲ شمسی، چاپ انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰.

۲. وشنوهای، حجاب در اسلام، ص ۵۹؛ به نقل از: *السيرة الحلبیه*، ج ۲، ص ۴۹.

۳. عبدالرسول عبدالحسن الغفّار، *المرأة المعاصرة*، چاپ سوم، ص ۴۰.



تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود.<sup>۱</sup> نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می ساخت.<sup>۲</sup> زندگی جنسی آنان، علی رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزّه از خطا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محجوب، همسرانی کوشا، مادرانی پُرزا و امین بودند و از آن جا که زود وصلت می کردند، فحشا به حدّ اقل تخفیف پیدا می کرد.<sup>۳</sup>

بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تأکید می کرد. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می دهد. تورات تشابه مرد و زن را به یکدیگر نهی نموده، می گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه «یَهُوه» خدای تو است.<sup>۴</sup> بی حجابی سبب نزول عذاب معرفی شده است.

خداوند می گوید: از این نظر که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می روند و به ناز می خرامند و به پای های خویش خلخال ها را به صدا در می آورند، بنابراین خداوند فرّوق سر دختران صهیون را کَلّ (بی مو) خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود و در آن روز، خداوند زینت خلخال ها و پیشانی بندها و هلال ها را دور خواهد کرد و گوشوارها و دستبندها و روبندها و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان ها و تعویذها و انگشترها و حلقه های بینی و زخوت نفیسه و رداها و

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۶.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. همان، ص ۶۳.

۴. تورات، سفر تثئیه، باب ۲۲، فقره ۵.

شال‌ها و کیسه‌ها و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمر بند، ریسمان و به عوض موهای بافته، کلی و به عوض سینه بند، زئار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود، مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد و دروازه‌های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست.<sup>۱</sup>

افزون بر موارد یادشده، در کتاب مقدس، و جوب پوشاندن موی سر<sup>۲</sup> لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه،<sup>۳</sup> نهی از لمس و تماس<sup>۴</sup> و واژه چادر،<sup>۵</sup> نقاب<sup>۶</sup> و برقع<sup>۷</sup> آمده است؛ به عنوان نمونه در مورد عروس یهودا می‌خوانیم: پس رخت بیوکی را از خویشتن بیرون کرد، بر قعی به رو کشید و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم، که در راه تمنه است، بنشست.<sup>۸</sup>

در «تلمود» اصلی ترین کتاب فقهی، که به گفته ویل دورانت، اساس تعلیم و تربیت یهود<sup>۹</sup> است، بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها،<sup>۱۰</sup> پرهیز از نگاه زن به مردان

۱. تورات، کتاب اشعیا، نبی، باب سوم، فقره ۱۶-۲۶.

۲. همان، کتاب روت، باب دوم، فقره ۸-۱۰.

۳. همان، سفر اعداد، باب ۵، فقره ۱۸.

۴. همان، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۱-۱۰ و ۲۰-۲۶.

۵. همان، باب سوم، فقره ۱۵.

۶. همان، کتاب اشعیا، نبی، باب ۴۷، فقره ۱ و ۲.

۷. همان، کتاب غزل‌های سلیمان، باب ۴، فقره ۱.

۸. همان، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۴ و ۱۵.

۹. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۴. ۱۰. همان، ص ۳۱.

بیگانه،<sup>۱</sup> اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم<sup>۲</sup> و لزوم پرهیز از هر امر تحریک آمیز،<sup>۳</sup> تأکید شده است.

برابر حکم سخت گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا (مهریه) طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می شود، از دواج شان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می کند و فی المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می رود، در کوچه و بازار پشم می ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت و گو می پردازد. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می دهد و زنی که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می کند و همسایگان او می شنوند که چه می گوید.<sup>۴</sup>

برخورد حضرت موسی علیه السلام با دختران شعیب که به آنان فرمود پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت شدید و سخت گیرانه حجاب نزد یهودیان است.

۱. همان، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۲۸.

۴. راب اما کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۱۸۶، میشنا کتوبوت ۶: ۷.

### حجاب در آیین مسیحیت

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود را در مورد حجاب تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سختگیری بیشتری و جوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می شد و طبق نوشته ویل دورانت، در بیست سالگی اجباری بود؛<sup>۱</sup> اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می شد؛<sup>۲</sup> بنابراین، مسیحیت برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزیین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون‌های اشراف - ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزیین می نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجاب و حیای کامل در مجالس انس یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می کردند.

انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تأکید کرده و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است؛ در انجیل می خوانیم: همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو تا زنان جوان را خرد بیاموزند که

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. شایان ذکر است که اکنون مسیحیت، ازدواج را برای تمام مسیحیان مقدس می شمرد و تنها آن را برای پاپ و اسقف‌های کلیسا ممنوع می داند.

شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خرداندیش و عفیغه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود.<sup>۱</sup>

در «کتاب مقدس» درباره لزوم آراستگی به حیا و پرهیز از آرایش ظاهری آمده است: همچین زنان، خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت‌گران‌بها... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند.<sup>۲</sup>

همچنین ای زنان!... و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گران‌بهاست؛ زیرا بدین‌گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می‌نمودند.<sup>۳</sup>

افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به‌ویژه در مراسم عبادی،<sup>۴</sup> لزوم سکوت، به‌ویژه در کلیسا،<sup>۵</sup> با وقار و امین بودن زن<sup>۶</sup> و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می‌گوید: کسی که به زنی از روی شهوت بنگرد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است؛ پس اگر چشم راستت، تو را بلغزانند، قلعش کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر آن

۱. انجیل، رساله پولس بتیطس، باب دوم، فقره ۱-۶.

۲. انجیل، رساله پولیس به تیموناؤس، باب دوم، فقره ۹-۱۵.

۳. همان، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱-۶.

۴. همان، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱-۱۷.

۵. همان، باب چهاردهم، فقره ۳۴-۳۶.

۶. همان، رساله پولس رسول به تیموناؤس، باب سوم، فقره ۱۱.

است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن که تمام بدن در جهنم افکنده شود.<sup>۱</sup>

دستورهای دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که براساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلیخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

درباره سیره عملی زنان مسیحی در دائرةالمعارف لاروس آمده است: دین مسیح، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود.<sup>۳</sup>

ویل دورانت در مورد سیره عملی زنان مسیحی می‌نویسد: ساق پای زنان چیزی نبود که در ملأعام یا رایگان به چشم خورد... البسه بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند...<sup>۴</sup>

۱. همان، باب اول، فقره ۲۸-۳۰ و باب هجدهم، فقره ۸-۱۰.

۲. دکتر حکیم الاهی، زن و آزادی، ص ۵۳. ۳. مهذب، زن و آزادی، ص ۶۵.

۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۹۸-۵۰۰، با اندکی تصرف و تلخیص.

تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

### حجاب در ایران باستان

در زمان ایران باستان، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده میان مردم آمد و شد می‌کردند. پس از داریوش مقام زن، مخصوصاً میان ثروتمندان، تنزل پیدا کرد؛ زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار بودند میان مردم آمد و شد کنند آزادی خود را حفظ کردند؛ ولی در مورد زنان دیگر گوشه‌نشینی زمان حیض، که بر ایشان واجب بود، رفته‌رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی‌شان را فراگرفت و این خود مبنای پرده‌پوشی میان ایرانیان باستان به‌شمار می‌رفت. زنان طبقات بالای اجتماع جرئت نداشتند جز بر تخت روان و پوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد آشکارا با مردان آمیزش کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را حتی پدر و برادران خود را ببینند و نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی در آن دیده نمی‌شود و نامی از زن وجود ندارد. چنانچه پیداست حجاب سختی در ایران باستان حکمفرما بوده است، حتی پدران و برادران هم نسبت به زن، نامحرم شمرده می‌شدند.

در زمان ساسانیان نیز حجاب سختی حکمفرما بود. در ایران ساسانی تنها پوشیدگی زن نبوده، بلکه مخفی‌نگه داشتن زن بوده است. خودسری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بود که اگر کسی زن زیبایی در خانه داشت

---

۱. براون و اشنایدر، پوشاک اقوام مختلف، ص ۱۱۶.

نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه شود و حتی الامکان او را پنهان می کرد؛ زیرا اگر معلوم می شد چنین زن زیبایی در خانه اش هست دیگر مالک او و احیاناً مالک جان خودش هم نبود و شاهزادگان و موبدان، آن زن را تصاحب می کردند.

### حجاب در هندوستان

در هند حجاب سخت و شدیدی وجود داشته؛ ولی به درستی معلوم نیست قبل از نفوذ اسلام در هند وجود داشته یا بعد از نفوذ اسلام در هند رواج پیدا کرده است. هندوهای غیرمسلمان تحت تأثیر مسلمانان، مخصوصاً مسلمانان ایرانی، حجاب زن را پذیرفته اند. اگر تمایل به ریاضت و ترک لذت را یکی از علل پدید آمدن حجاب بدانیم باید قبول کنیم که هند از قدیمی ترین ایام حجاب را پذیرفته است که البته بعید به نظر می رسد.

اما مسلم است که حجاب هندی نیز مانند حجاب ایران باستان، سخت و شدید بوده است.<sup>۱</sup>

### حجاب در آیین اسلام

بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. قرآن کریم می فرماید: «و به بانوان باایمان بگو چشم های خود را فروپوشند و عورت خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت های خود را، جز آن مقداری که ظاهر است، آشکار نسازند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند و زینت های خود را آشکار نسازند؛ مگر برای

۱. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ص ۲۴-۲۵.



شوهران‌شان، پدران‌شان، پدر شوهران‌شان، پسران‌شان، پسران همسران‌شان، برادران‌شان، پسر برادران‌شان، پسر خواهران‌شان، زنان هم‌کیش‌شان، کنیزان‌شان و مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند و کودکانی که از امور جنسی بی‌اطلاع هستند و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهان‌شان آشکار شود و همگی به سوی خداوند توبه کنید ای مؤمنان؛ باشد که رستگار شوید!»<sup>۱</sup> در آیات دیگر نیز پوشیدگی کامل اندام،<sup>۲</sup> نیک و شایسته، باوقار و دور از تحریک سخن گفتن و دوری از آرایش‌های جاهلیت نخستین،<sup>۳</sup> توصیه شده است.

در روایات نیز پوشیدن جامه بدن‌نما و نازک نزد نامحرم،<sup>۴</sup> آرایش و استفاده از عطر در خارج از خانه،<sup>۵</sup> اختلاط فسادبرانگیز زن و مرد،<sup>۶</sup> دست دادن و مصافحه با نامحرم<sup>۷</sup> و تشبه به جنس مخالف<sup>۸</sup> منع شده است و مردان باغیرت،<sup>۹</sup> به هدایت و کنترل همسر و دختران، عفت نسبت به زنان مردم<sup>۱۰</sup> و دوری از چشم‌چرانی توصیه شده‌اند.

پس تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته، در این است که اسلام و جوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و دور از افراط و تفریط، سهل‌انگاری مضر یا سخت‌گیری بی‌مورد

۱. سوره نور، آیه ۳۱.

۲. سوره احزاب، آیه ۵۹.

۳. همان، آیه ۳۲.

۴. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۸۳.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳.

۶. ناسخ التواریخ، ج ۲.

۷. همان، ص ۱۶۳.

۸. مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸.

۹. نهج الفصاحه، ص ۱۴۳.

۱۰. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸-۱۴۱.

به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی همچون حجاب مورد توصیه پاپ‌ها، به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه به این معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی تحریک نشود؛ بلکه در محیط خانواده، این غریزه به صورت صحیح ارضا گردد. البته رعایت حجاب از ناحیه مردان نیز توصیه شده و مورد توجه اسلام قرار گرفته است و مردان نیز موظفند که با رعایت شئون اسلامی موجبات تحریک و فساد جامعه را نباید فراهم آورند.

### مفهوم حجاب

پرسش: مفهوم حجاب چیست و حجاب اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟  
 پاسخ: ماده حجب در لغت به معنای «الْمَنْعُ مِنَ الْوُضُولِ»، یعنی ممانعت از رسیدن به چیزی آمده است.<sup>۱</sup> درباره این واژه گفته شده که حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از داخل شدن است.<sup>۲</sup> آیه شریف: ﴿وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ﴾؛ و میان ما و تو پرده‌ای است،<sup>۳</sup> شاهد بر این مدعاست. به کارگیری کلمه حجاب در مورد پوشش زن، یک اصطلاح نسبتاً جدید است. «در قدیم و به ویژه در اصطلاح فقها کلمه «ستر»، که به معنی پوشش است، به کار می‌رفته است.»<sup>۴</sup> «واژه حجاب گرچه در لغت به معنای پرده و

۱. ابوالقاسم الحسین، الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۰۸.

۲. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۰۳.

۳. سوره فصلت، آیه ۵.

۴. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، چاپ ۴۵، ص ۶۲.

حائل آمده است، ولی امروزه به طور مسلم و یقینی فقط به معنای پوشش مخصوص زنان به کار می رود.<sup>۱</sup>

در میزان پوشش زنان، بیشتر رساله‌های عملیه حد واجب آن را پوشانیدن تمام بدن، به جز قرص صورت و دو دست از مچ به پایین، می دانند و روشن است که این حکم فقهی، کمترین حد و مرز وجوب حجاب فردی را بیان می کند و بانگرشی وسیع تر و بررسی آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی اسلام و نیز با توجه به تأکید اسلام بر مسئله عفاف و حیا و حفظ حریم بین زن و مرد نامحرم باید اصل عدم تبرج را، که یک اصل مهم قرآنی است، به آن افزود.<sup>۲</sup> استاد مطهری می گوید: «پوشش و حجاب زن در اسلام این است که زن در معاشرت با مردان خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.»<sup>۳</sup>

بنابراین مقصود از حجاب اسلامی، پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد:

#### ۱. حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد.

پوششی که مورد نظر اسلام است باید به گونه‌ای باشد که طبق دستور قرآن کریم زینت‌ها و زیبایی‌های بدن زن آشکار نشود؛<sup>۴</sup> بنابراین، لباس‌های تنگ و چسبان، که اندام زن در آن به خوبی نمایان است، با وجود این که در ظاهر امر،

۱. همان.

۲. تبرج در لغت به معنای به جلوه درآوردن و زیبایی خود را نشان دادن است. (ر.ک: آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، ص ۳۲؛ ر.ک: قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۳۳)

۳. مسئله حجاب، ص ۷۹ و ۸۰.

۴. قرآن کریم در سوره نور آیه ۳۴، خطاب به زنان مسلمان می فرماید: ﴿لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾؛ زینت‌های شان را آشکار نسازند. مفسران مصداق زینت در آیه شریف را بدن زن می دانند که وجه و کفین از پوشاندن استتفا شده است. (ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۹)

بدن او را پوشانده، چون شکل و حجم اندام را نمایان می‌سازد، نمی‌تواند حجاب و پوشش اسلامی تلقی شود.

## ۲. باخودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد.

بدن زن به‌طور طبیعی برای جنس مخالف جاذبه دارد و معمولاً موجب تحریک جنسی او می‌شود. حال اگر علاوه بر زیبایی‌های طبیعی، زن به آراستن خود بپردازد و اندام آراسته خود را در معرض دید دیگران قرار دهد، به‌طور طبیعی از بسیاری آنان سلب آرامش نموده، موجب تحریک جنسی و گاه فساد در جامعه می‌شود و در مواردی موجب گسستن پیوند خانواده و سست شدن الفت بین زوج‌ها می‌گردد.

مراعات پوشش اسلامی، از امور ضروری در پیشگیری از این مفساد است؛ بنابراین، خانمی که ملتزم به ارزش‌های اسلامی است، هیچ‌گاه با لباس‌های رنگارنگ و تنگ، که برآمدگی‌های بدن را نشان می‌دهد، با تزئینات و آرایش‌های مهیج از خانه بیرون نمی‌آید. قرآن کریم از تبرج (خودآرایی به‌منظور خودنمایی) نهی کرده و آن را متعلق به جامعه جاهلی دانسته است. شیوه پوشش، آرایش و حرکات زن تا حد زیادی نشانگر شخصیت، شیوه فکر، گرایش‌ها و الگوهای ارزشی اوست؛<sup>۱</sup> بنابراین پوشش اسلامی بدون آنکه جسم انسان را به نمایش بگذارد، تجلی ارزش‌های روحی و معنوی است. عفاف، شخصیت زن و متانت و وقار وی را نمودار می‌کند و زن باحجاب از طمع و آرزوهای پست دیگران در امان است. قانون آفرینش

است که هرچه موجود لطیف‌تر باشد محافظت از آن جدی‌تر است. موجود هرچه گران‌بها تر باشد بیشتر آن را محافظت می‌کنند. در گران‌بها را در گاوصندوق نگه می‌دارند، تا از دستبرد دیگران در امان بماند.

حضرت علی علیه السلام در بیان نقش پوشش کامل به‌عنوان حفظ ارزش و احترام زن می‌فرماید: «فانَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ ابْقَى عَلَيْهِنَّ؛ همانا حجاب و پوشش کامل، زنان را سالم‌تر و پاک‌تر نگاه خواهد داشت.»<sup>۱</sup>

حجاب اسلامی با هر نوع پوششی که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد منافات دارد و آن نوع لباس و پوششی که بهتر حدود شرعی را حفظ می‌کند، بهتر و کامل‌تر است؛ بنابراین استفاده از چادر مشکلی با فلسفه حجاب و پوشش زنان در مقابل نامحرم، که همان عدم تحریک و تهییج در مقابل نامحرم و ایجاد آرامش روانی در جامعه است، بیشتر و بهتر سازگار است.

از دیدگاه روان‌شناسی رنگ‌ها، این یک واقعیت مسلم است که رنگ مشکی، رنگی صامت و غیرفعال است که باعث تحریک و جلب توجه نمی‌شود.

چادر از آن نظر که تمام بدن زن را می‌پوشاند و برجستگی‌ها و زیبایی‌های زن را در خود پنهان می‌دارد و کمتر موجب جلب توجه و طمع نامحرمان می‌گردد، بهتر از مانتو است؛ زیرا در مانتو حرکات جذاب زنانه، آشکارتر است و ممکن است بیشتر موجب تحریک نامحرمان گردد.

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.